

بیدل در سفینه خوشگو

ضمیره غفار اوا*

در تاریخ ادبیات فارسی میرزا عبدالقادر بیدل با گرایش به تجدّد در سبک و درونمایه شعر راه تازه‌ای ایجاد کرده است، که این تحولات ادبی مقام او را میان سخنوران رفعت بخشیده است. تازه‌کاری‌های بیدل در قلمرو ادبیات باعث شد، که توجه تذکره‌نگاران و پژوهشگران به‌راه انتخاب‌کرده او افزون گردد، به‌آن داورهای مختلف عرضه شد، که این البته موضوع بحث جداگانه است.

میان تذکره‌نگارانی که راجع به‌روزگار و آثار بیدل اطلاع منظور کرده‌اند، معلومات بندرابن داس خوشگو تا اندازه‌ای امتیاز دارد. این ارزش پیش از همه بسته به‌آن است، که وی از پیروان و مریدان شاعر بوده، روزگاری در خدمت ابوالمعانی نیز بوده است. به‌این وجه، امتیاز معلومات خوشگو بیش از همه در منشأ داشتن آن‌ها به‌واقعیت زندگی افاده تمام دریافته‌اند. از جانب دیگر در همین عهد بود که تذکرهاى زیادی تألیف شد و نقد و نظرات مختلفی راجع به‌شعر و شخصیت بیدل بیان گردید. ولی تحلیل قیاسی مواد این سرچشمه‌ها اشارت بر آن می‌کند، که هم از نظر حجم و هم از جهت تفصیلات، اخبار خوشگو اولویت دارند. این امر البته بی‌سبب نیست و چنان‌که گفته آمد، خوشگو اولاً شاگرد و مرید بیدل بود و از سوی دیگر مدتی در محافل خانوادگی شاعر شرکت داشت، خدمت این بزرگوار را به‌جا آورد. همین محبت و دلبستگی به‌شعر و شخصیت بیدل بود، که خوشگو نسبت به‌دیگر هم‌عصران خود به‌ابوالمعانی زیاده‌تر

* استاد علوم فلاوژی دانشگاه دولتی، خجند (تاجیکستان).

۱. عبدالغنی: احوال و آثار میرزا عبدالقادر بیدل، ترجمه میر محمد آصف انصاری، ۱۳۵۱ هـ.ش، ص ۱.

متوجه گردید، برای به یک منبع مهم شناخت زندگی و آثار بیدل بدل گردیدن تذکره خود اهتمام ورزیده است.

با توجه به معلوماتی، که خوشگو در تذکره خود راجع به میرزا بیدل در معرفت زندگی و آثار بیدل از چند دیدگاه وارد گردیده است و با نتیجه گیری از این تمایل های بیدل شناسی خوشگو می توان اطلاع او را در چند دسته بررسی نمود.

میرزا بیدل تقلید کامل نمی کند، بلکه استقبال وی خصلت ایجادکارانه دارد.

- * اخبار راجع به زندگی نامه و احوال شاعر.
- * بازنگری به سبک و ویژگی های هنری بیدل.
- * جوابیه های بیدل به شاعران پیشین.
- * بازگویی میراث ادبی شاعر و مقام آنها در ادبیات فارس و تاجیک.

- * پاسخ به آن تذکره نویسانی که درباره بیدل حدیث ناسزا گفته اند.
- * ذکر نمونه های اشعار میرزا بیدل.

آشنایی کلی به معلومات خوشگو بازگو از آن است، که در تذکره او ذکر احوال و آثار میرزا بیدل... به تفصیل جریان گرفته است. مؤلف کوشیده، که به تمامی فرصت های مهم حیات شاعر را به قلم آورد. خوشگو درباره حیات و ایجادات میرزا بیدل حدود ۲۳ صفحه معلومات داده، در حجم ۲۱ صفحه دیگر از اشعار شاعر ۴۲۵ بیت نمونه آورده است. بازنگری به اطلاعات مذکور خوشگو ثابت می سازد، که شاید از نظر سرچشمه و تذکره دیگر به این درجه معلومات فراوان راجع به میرزا بیدل منظور نشده باشد.

خوشگو اخبار خود را از بیان احوال بیدل درباره اصل و نسب، سال تولد، فوت و والدین او و به تربیت عمویش میرزا قلندر، وارد گردیدن شاعر، تحصیل در مدرسه و علت ترک آن، نخستین شعر وی، در ادوار اول شاعری اش رمزی تخلص نمودن، خدمت در دربار محمد اعظم شاه به حیث سرباز، خدمت داروغگی کفترخانه و در این شغل مدت ۲۰ سال امتیاز پیدا کردن او آغاز نموده، راجع به این مسائل به تفصیل صحبت می کند. گفتن ممکن است، که در این باره در تذکره های اطلاع کم موجود است و اگر هست اکثر آنان تکیه بر گفتار خوشگو دارند. در برابر این، در تذکره سفینه خوشگو عاید به مسافرت بیدل به بنگو بهار و اودیسه و بعداً در اکبرآباد و

شاهجهان‌آباد اقامت ورزیدن شاعر خبر داده می‌شود، که این مطلب هم از نکات مهمّ زندگانی شاعر به‌شمار می‌آید. مطابق معلومات مؤلف تذکره بیدل ۳۶ سال آخر عمر خود را در خانه‌ای، که نوّاب شاکر خان و نوّاب شکرالله خان در محلّه کھیکریان، که در کنار گذری گهات دهلی واقع است، سپری نموده است. ناگفته نماند، که این صاحب منصبان، خانه را به مبلغ پنج هزار روپیه خریده به‌بیدل نذر نموده بودند، که این نکته هم از دیدگاه خوشگو بیرون نمانده است.

قابل تذکر است، که خوشگو در تذکره‌اش نه تنها به جنبه‌های شخصیت معنوی شاعر توجه ظاهر نموده است، بلکه برخی از نکته‌های مربوط به شخصیت جسمانی شاعر را نیز به قلم آورده است، که امری مهمّ و جالب می‌باشد. از این دیدگاه، نقش سرچشمه تذکره باز هم افزون می‌گردد، زیرا از روی دقیق نمودن شخصیت شاعر می‌توان برخی از مطالب اشعار او را نیز فهم نمود. مثلاً، خوشگو برای بازگویی نیروی قوی جسمانی شاعر نقل‌های زیادی از زندگی او آورده، از جمله جایی می‌نویسد:

”شبی پای فرقدین فرسایش لغزشی کرد. به حکم اتفاق دست به دیوار خورد.

خاست، که متصل به دیوار شود. ناگاه دیوار تاب نیاورده از هم ریخت.“^۱

یا این‌که جای دیگر نقلی را از زبان خود بیدل چنین می‌آرد:

”شبی نقل می‌فرمود، که در بلده پتنه تاجری اسبی عراقی نژاد آورد و به عوض

هزار روپیه به فروختنش برآورد. طبیعت مایل به خرید کردنش گردید. گفتم: اگر

اسب تو در تک و دو به من برابری می‌کند، دو هزار روپیه بدهم و اگر پس ماند،

مفت بگیرم. تاجر این شرط قبول نمود و خود بر اسب سوار شد. در میدان وسیع

عنان سر داد و از این طرف من دامن بر کمر زده شاطرانه دویدم، تا نگاهی

بیفکنم اسب و سوار به قدر یک تیر از من پستر مانده بودند. چون گوی شرط از

میدان ربودم، مروّت ندیدم و اسب به او باز دادم.“^۲

۱. خوشگوی دهلوی، بندر این داس: سفینه خوشگو، به اهتمام سید شاه محمد عطاء‌الرحمن کاکوی، سلسله

انتشارات اداره تحقیقات عربی و فارسی، پتنا، مارس ۱۹۵۹ م، دفتر ثالث، ص ۴۰۰.

۲. همان.

از ویژگی‌های مهم تذکره در بیان احوال میرزا بیدل در آن به‌ظهور می‌رسد، که مؤلف به‌جز ذکر احوال ظاهری و قوت شاعر عاید به‌عادات رفتار او نیز سخن به‌زبان می‌آورد. از آن جمله، در بیان صفات ظاهر و پدیده‌های مربوط به رفتار شاعر جایی چنین می‌نویسد:

”هنگام تکلم سخن بسیار آهسته آهسته و جدا جدا می‌فرمود، گویا گهرباری می‌کند یا گلفشانی می‌نماید... شعر را با صلابت و محبت خواندی، که گوش

در تاریخ ادبیات فارسی محفل یادبود بیدل، که پس از وفات وی با نام عرس بیدل پیروان و مریدان شاعر دایر نموده‌اند، معروف است و این محفل برای ایجاد مکاتب بیدل‌شناسی زمینه‌ها هم گذاشته است.

مستمعان باز شدی و از بیرون دروازه در کوچه معلوم شدی، که آن حضرت شعر می‌خواند و مقرر آن کرده بود، که تمام روز اندر آن محلّ به‌تنهایی... نشسته با سخن صحبت می‌داشت و سر شام به‌دیوانخانه تشریف آوردی...“^۱

بخش دیگری اطلاع مربوط به زندگی نامه

شاعر به‌اوضاع عائله وی میرزا بیدل پیوند می‌گردد، که جالب توجه است. از آن جمله، حادثه در ایام سالخوردگی صاحب فرزند شدن بیدل را چنین به‌قلم آورده است:

”در عمر شصت و پنج سالگی فرزندی قدم به‌بی‌تشریفی او گذاشت. از این عنایت غیرمترقبه شادی‌ها کرد و صدقه‌ها داد. چون چهار ساله به‌عدم شتافت، شکفتگی پیشانی موافق دین و آیین تجهیز و تکفین نمود“^۲.

پایان عمر بیدل و ایام وفات و لحظه مرگ شاعر نیز در تذکره با تفصیلات قلمداد گردیده است. وفات بیدل را خوشگو چنین به‌قلم تصویر درآورده است:

در سال ۱۱۳۳ هجری در ایامی، که ابوالفتح ناصرالدین محمد شاه پادشاه غازی بر ساداتی باره مظفر و منشور شد و استقلال سلطنت یافت، به‌دارالخلافه شاهجهان‌آباد تشریف آورد، حضرت میرزا بیدل را در ماه محرم عارضه تب روی داد. چهار پنج روز

۱. خوشگوی دهلوی، بندر این داس: سفینه خوشگو، سید شاه محمد عطاء الرحمن کاکوی، دفتر ثالث، ص ۱۱۲.

۲. همان، ص ۴-۱۱۳.

به حرارت گذشت. بعد از آن تب مفارقت کرد. ایشان غسل فرمودند. روز دوم از غسل به تاریخ سیوم صفر روز چهارشنبه وقت شام باز حرارت عود کرد و تمام شب ماند. نوآب غیرت خان بهادر صلابت‌جنگ، که از یاران آن حضرت و آن شب به خدمت ایشان حاضر بود و نقل صحیح است، که شب گاهی به افافت و گاه به غش گذشت و در وقت افافت بی‌اختیار خنده از ایشان سر می‌زد:

جانان به قمارخانه رندی چندند، بر نسیه و نقد هردو عالم خندند

”به هر حال، آثار یأس به نظر آمدن گرفت و تا صبح حال دیگرگون شد. یوم پنجشنبه چهارم ماه صفر ۶ روز برآمده همای روح پرفتوح آن زنده به عرش سرمدی از آشیان تن بال و پر درفشانده بر ساکنان عرش معلی سایه انداخت و به وصال حقیقی کامیاب گردید. رحمت‌الله علیه در همان حوالی اقامتگاه، که چبوتره برای خود از مدت ده سال راست کرده بودند، به خاک سپردند“^۱.

ارزش مهم علمی این خبر در آن افاده می‌یابد، که پایان زندگی بیدل به تفصیل قلمداد شده است و این امر اشارت به حضور انفرادی مؤلف تذکره دارد.

چنان‌که گفته آمد، بخش دیگر اطلاع خوشگو به توجّه وی درباره ویژگی‌های سبک سخنوری بیدل پیوستگی دارد.^۲ معلوم است، که میرزا بیدل اصلاً از نمایندگان برجسته سبک هندی محسوب می‌گردد، برابر این، در قلمروی سبک هندی به آفریدن رویش خاص سخنوری خود دست یافته است. این است، که در تذکره خوشگو راجع به طرز خاص بیدل، که بعداً با اصول بیدلی مشهور گردید، نیز سخن رفته، بحث مفصلی جریان گرفته است. وی ضمن تحقیق این مسئله به سبک بیدل توقّف نموده، آن را مورد تعریف و ستایش قرار می‌دهد. مثلاً، در مصرع‌های زیرین، که زیر عنوان «در وصف بیدل» در مقدمه «سفینه خوشگو» آورده شده‌اند، و به طرز بیان بیدل بهای بلند داده، او را تا به مرتبه‌های پیغمبر و حتی خدای سخن بالا می‌برد:

۱. خوشگوی دهلوی، بندر این داس: سفینه خوشگو، به اهتمام سید شاه محمد عطاء‌الرحمن کاکوی، دفتر ثالث، ص ۲۱-۱۲۰.

۲. غفاراوا، ضمیره: تذکره‌های سرخوش و خوشگو همچون سرچشمه نقد و سخن سنجی، خجند، ۲۰۰۱ م، ص ۸-۱۹۶.

میرزا بیدل، که رهنمای سخن است پیغمبر و غوث و پیشوای سخن است
 یکتاست در آفریدن طرز کلام بالله، که پی سخن، خدای سخن است^۱
 به عقیده خوشگو، بیدل:

”در سخن طرز بلند اختیار فرمود، که اگر بالفرض به دشنام کسی می گفتند، رشته توحید از کف نمی دادند. در همه اشعارش این رعایت منظور است و او در این فن از استادانی است که صاحب طرز خاص شده اند و از زمانی که زبان به سخن آشنا شد، این طرز مخصوص به دست کسی نه افتاده. کارهایی که او کرد، مقدور کسی نیست“^۲.

معلوم است، که در دوران زندگانی بیدل این روش پیش گرفته وی استقبال تمام یافت، مکتب بزرگ پیروان بیدل را ایجاد نمود، اما اشخاصی هم پیدا شدند، که شاعر را انتقاد کردند و این طرز سخنوری وی را مبهم و پیچیده نامزد نمودند. خوشگو همچون مرید و مخلص بیدل برای این طایفه هم جواب های سزاوار گفته است. وی سبب رفتار این گونه اشخاص را در حسد و جهل می بیند و برای تقویت سخنان خود این گفته های شاه سعدالله گلشن را در مورد استاد خود میرزا بیدل می آورد:

”حضرت گلشن می فرمود، که میرزا بیدل پایه ای دارد، که این غلط هایش را بعد صد، دو صد سال اهل لغت و فرهنگ ها به طریق سند خواهند آورد“^۳.

در قبال این جواب گفتن ها خوشگو به پدیده های اولین ظهور سخنوران پیرو بیدل در زمان خود شاعر توجه ظاهر می کند. واقعاً هم، هنگام در قید حیات بودن میرزا بیدل در شبه قاره هند و پاکستان همچون داهی نظم شهرت داشت و آن اسلوب ادبی بی، که وی تخصیص داد، بعد از وی تا عصرها اشتهار داشت، مخلصان زیادی پیدا کرد. گذشته از این بعد از وی شعرای زیادی دنبال این رویه ادبی رفته، همچون پیروان مکتب بیدلی شهرت پیدا نمودند. طبق معلومات تذکره، شاعران زیادی، که ذکرشان در

۱. غفاروا، ضمیره: تذکره های سرخوش و خوشگو همچون سرچشمه نقد و سخن سنجی، خجند، ص ۸-۱۹۶.

۲. همان، ص ۶-۱۱۵.

۳. همان، ص ۱۱۶.

تذکره رفته است، در شکل، قالب، وزن و قافیۀ شعر از بیدل پیروی می‌کردند. از جمله، از سبک و افکار این شاعر بزرگ استادانه فیض بردن عاقل خوان عاشق را خوشگو در چنین الفاظی گنجایش داده است:

”در خدمت میرزا بیدل صاحب مشق شعر گذرانید. به درجه کمال رسید و طرز خاص میرزای مرحوم به دست آورد“.^۱

فزوده بر این، در اشعار لاله شیو رام داس حیا، که از پیروان ماهر و صاحب مقام سبک هندی محسوب می‌گردد، روح و رویش اشعار میرزا بیدل به روشنی احساس می‌گردد. در مورد این بحث خوشگو ملاحظات را بیان داشته، از جمله چنین می‌نویسد:

”در خدمت میرزا بیدل مرحوم، مشق‌گذرانی و تخلص یافته، به زبان ایشان حرف می‌زند“.^۲

در کنار بازگویی پیروان بیدل، بحث استقبال شاعر از سخنوران پیشین نیز از نظر خوشگو بیرون نمانده است. هرچند از جوابیه‌های به اشعار متقدمین گفته شعرا تنها جوابیه میرزا بیدل و خود خوشگو به رباعی ابو عبدالله رودکی و یک بیت از ترجیع‌بند میرزا بیدل در جواب فخرالدین عراقی درج گردیده‌اند و خلاص، اما این امر اشارت بر آن می‌کند، که مؤلف تذکره درجه ارادت و اخلاص استاد خود را نسبت به سخنوران پیشین مقرر نموده است. با توجه به جوابیه‌های بیدل می‌توان این نکته را تأکید کرد، که بیدل، اصلاً به سبک هندی اشعار می‌سرود، و به آثار شاعران پیشین نیز نظر نیک داشت، عده‌ای از این‌گونه اشعار پیروی کرده است. خوشگو در تذکره خویش جوابیه میرزا بیدل را به رباعی رودکی مندرج ساخته، به این وسیله پیوند ناگسستنی داشتن ایجادیات بیدل را با میراث گذشته ادبیات فارسی تأکید نموده است. از دیگر جانب، این دلیل شهادت فراگیری ادبیات گذشته فارسی از جانب میرزا بیدل و آگاهی کامل او از ادبیات پیشین محسوب می‌گردد. چنانچه، در سفینه خوشگو آمده است، که ”بیدل رباعی گفت در جواب آدم الشعرا حکیم رودکی، که تا حال ممتنع‌الجواب بود. ایشان بعد چند قرن

۱. غفاراوا، ضمیره: تذکره‌های سرخوش و خوشگو همچون سرچشمه نقد و سخن سنجی، خجند، ص ۵۸.

۲. همان، ص ۱۸۳.

از عهده جواب آن برآمدند...“ فقیر خوشگو نیز لنگ - لنگان به سرمنزل جواب آن رسیده. هوس نگارش می‌یابد:

رودکی:

آمد بر من، که؟ یار، کی؟ وقت سحر،

ترسیده، ز که؟ ز خصم؟ خصمش که؟ پدر،

دادمش، چه؟ بوسه، بر کجا؟ بر لب و بر،

لب بُد؟ نه، چه بُد؟ عقیق، چون بود؟ شکر

بیدل:

دی خفت، که؟ ناقه، در کجا خفت؟ به گل، کردم، چه؟ فغان، از چه؟ ز یاد منزل،

دادا! از که؟ ز خود، چرا؟ ز سعی باطل، کافتاد. چه؟ بار. از که؟ سر. بر که؟ به دل^۱

یادآوری به‌مورد است، که در تاریخ ادبیات فارسی این رباعی رودکی بی‌نظیر است و آن به‌اصول کاربندی موفّقانه سؤال و جواب به‌قلم آمده است. به‌آن توجّه ظاهر نمودن میرزا بیدل بی‌حکمت نیست و این‌جا هم طبع مشکل‌پسند شاعر آشکار می‌گردد، زیرا از میان آن همه میراث گرانمایه رودکی نمونه یگانه و رباعی با سبک نسبتاً مشکل ایجاد نموده آدم الشعرا را پیروی نموده است.

از نظر دیگر، هرچند بیدل و خوشگو این رباعی را تتبع کرده‌اند، اما استقبال آن‌ها تنها صورت مشکل به‌ظهور می‌رسد. طرز قافیه‌بندی و محتوای این رباعی‌ها یک‌رنگ نیست و این امر اشارت به‌کوشش‌های تازه‌کاری بیدل دارد. منظور این است، که میرزا بیدل تقلید کامل نمی‌کند، بلکه استقبال وی خصلت ایجادکارانه دارد.

بحث مفصّل و پرارزشی، که خوشگو در مورد بیدل در تذکره خود آراسته است، مرتبط به‌ایجادیات شاعر و استفاده نمونه‌های اشعار وی محسوب می‌گردد. چنان‌که گفته آمد، از ایجادیات میرزا بیدل به‌تعداد ۴۲۵ بیت نمونه آورده شده است، که به‌این حجم از دیگر شاعری در تذکره اشعار نیامده است. مؤلف از آثار ادبی بیدل اساساً غزل، قصاید، قطعه، مثنوی، رباعی، مرثیه و مستزاد را انتخاب کرده است. میان اشعار شاعر دو شعر

۱. غفاراوا، ضمیره: تذکره‌های سرخوش و خوشگو همچون سرچشمه نقد و سخن سنجی، خجند، ص ۱۱۹.

در بحر طویل سروده او هم جای دارند. نمونه‌های مثنوی از: «طور معرفت»، «ساقی نامه» و دیگر مثنوی‌های خود شاعر از بیاض انتخاب گردیده‌اند، که به قول نویسنده تذکره خود میرزا بیدل آن را مرتب نموده بوده است. به این مطلب جای چنین اشارتی هم رفته است: به دستخط خود از اشعار غزلیات انتخاب فرموده نوشته و آن را به فقیر (خوشگو - ض.غ.) عنایت کردند.^۱

این معلومات خوشگو را نیز می‌توان صاحب ارزش بلند تاریخی و اهمیت بزرگ در متن‌شناسی آثار بیدل مقرر ساخت. زیرا جهت صحیح متون اشعار شاعر ابیات در تذکره آورده شده، اصالت متنی را برقرار خواهند نمود. از بیاض دست‌نویس خود شاعر انتخاب شدن اشعار شاعر برای امروز هم در مورد تهیه و تصحیح و نشر دیوان شاعر در سایر کشورهای فارسی زبان خدمت کرده می‌توانند، چنان‌که تا امروز روی آن نسخه انتشار یافته دیوان بیدل بحث‌هایی در مورد صحیحی مطالب جریان دارد.

مسلم است، که در تاریخ ادبیات فارسی محفل یادبود بیدل، که پس از وفات وی با نام عرس بیدل پیروان و مریدان شاعر دایر نموده‌اند، معروف است و این محفل برای ایجاد مکاتب بیدل‌شناسی زمینه‌ها هم گذاشته است. راجع به اولین محافل عرس بیدل، که همزمانان شاعر دایر نموده‌اند، خوشگو معلومات فراوان می‌دهد و نقش مؤثر سرچشمه تذکره خود را در تعیین تاریخ تشکل این محفل ادبی مقرر می‌سازد.

چنان‌که معلوم است، بعد از وفات میرزا بیدل و شاه گلشن بر این سخنوران برجسته دایر گردیدن مجمع‌های عرس ایشان به حکم سنت درآمده بود و به این گونه محافل یادبود، خوشگو بارها اشاره نموده است.^۲ محافل مذکور اکثراً فراگیر مجمع شعرای زیادی بود. در برابر این، مجالس ادبی گاهی به محافل رقص و سرود بدل گردید، شباهت به عیدگاه پیدا می‌نمود. خوشگو ضمن توصیف یکی از چنین بزم‌ها نقل می‌کند:

۱. غفاراوا، ضمیره: تذکره‌های سرخوش و خوشگو همچون سرچشمه نقد و سخن سنجی، خجند، ص ۱۲۵.

۲. همان، ص ۱۷۸، ۱۹۰، ۲۰۷ و ۲۳۷.

”در باغ میر مشرف، روز عرس مجمع عظیمی بود. قریب ۷۰۰ کس طوایف هنگام رقص و سرود گرم می‌داشتند. در یکی از ایوان‌های باغ میرزا گرامی با شاگردان خود مجلس افروز سخن‌فروز شود“^۱.

”در مورد دیگر از مجلس عرس میرزا بیدل یادآور شده می‌نویسد، که در آن قریب ۱۰۰ تن شرکت ورزیده‌اند“^۲.

معلومات خویش را خوشگو با ذکر آثار میرزا بیدل به‌انجام می‌رساند. او قید می‌نماید، که ”کلیات از آن حضرت به‌یادگار است، که شمارهٔ تمام ابیات آن ۹۹ هزار بیت است و آن را در حین حیات خود چهار مصرعی نوشته و اوراق وزن کرد“^۳. از آن جمله، مصنف خبر می‌دهد، که عرفان یازده هزار بیت، مثنوی «طلسم حیرت» چهار هزار بیت، «طور معرفت» سه هزار بیت، «ساقی‌نامه» به‌قدر دو هزار بیت مسماً به «محیط اعظم» هزار بیت ترجیع‌بند، «چهار عنصر» ده هزار بیت، رباعیات چهار هزار، بقیه پنجاه و چند هزار بیت شامل غزلیات و غیره است.

مطالعهٔ تذکرهٔ سفینهٔ خوشگو اشارت بر آن هم می‌کند، که خوشگو اطلاعات خود را دربارهٔ بیدل تنها در یک بخش مربوط به‌شاعر ختم نمی‌بخشد، بلکه در موارد دیگر هنگام ذکر مطالب به‌روزگار و آثار بیدل نظر داشته از شاعر یاد می‌کند. بیشتر این حال هنگام نقل نکات زندگی‌نامه خود نویسنده تذکره به‌چشم می‌رسد. مثلاً، خوشگو در برابر ذکر ارتباط خویش با شعرا در لحظه‌های ضروری از اساتید خویش نیز سخن به‌زبان می‌آرد، که این نکته برای تحقیق پهلوهای جداگانه زندگی و ایجادیات خود مؤلف اهمیت مهمی را صاحب می‌باشد. طبق معلومات سرچشمه‌هایی که دربارهٔ خوشگو خبر داده‌اند، سرخوش، بی‌غمی بی‌راگی، میرزا بیدل، سبقت و آرزو نسبت به‌او حق استادی داشتند. از این رو، در سفینهٔ خوشگو نیز مؤلف بارها این خدمت اساتید

۱. غفاروا، ضمیره: تذکره‌های سرخوش و خوشگو همچون سرچشمهٔ نقد و سخن‌سنجی، خجند، ص ۲۳۴.

۲. همان، ص ۲۳۰.

۳. همان، ص ۱۲۳.

خویش را به قلم آورده است. در کنار میرزا بیدل، از صحبت‌های حفطی، قبول، شهرت، ثابت، مخلص و رفیع استفاده کردنش را نیز به قلم داده است.^۱ افزوده بر این، از مطالعه تذکره خوشگو برمی‌آید، که به غیر از «سفینه خوشگو» به قلم او «ملفوظات بیدل» و «مرقع» نیز تعلق دارند، که یکی از این آثار به طور ویژه به استاد وی میرزا بیدل بخشیده شده است. از عنوان اثر پیداست، که آن درباره صحبت‌ها و ملاقات‌های مؤلف با استادش بیدل نقل می‌کند. بنا به معلومات خود خوشگو وی بیش از هزار مرتبه به خدمت بیدل مستفید شده است و در «ملفوظات بیدل» اکثر این مذکورات را داخل نموده.^۲

در مجموع، از بررسی‌های بالای نتیجه برمی‌آید، که در تذکره سفینه خوشگو راجع به سخنور ممتاز و یکی از پرچم‌داران سبک هندی میرزا بیدل اطلاعات فراوانی به قلم آمده است، که نقش و مقام تذکره را در تحقیق و آموزش روزگار و آثار شاعر بازگو می‌کنند. و ما با شخصیت معنوی و مندرجه افکار و اشعار این شاعر مقتدر از نزدیک آشنایی پیدا می‌کنیم. از سوی دیگر، بحث‌هایی که خوشگو در مورد استقبال بیدل از سخنوران پیشین و تأثیر سبک سخنوری و اندیشه و آرمان شاعر به نسل بعد از خود ارزش مهم ادبی و علمی داشته، زمینه‌های ظهور و رواج مکتب پیروان بیدل را مشخص می‌سازند.

منابع

۱. خوشگوی دهلوی، بندر ابن داس: سفینه خوشگو (تألیف: ۱۱۴۷ هـ/ ۵-۱۷۳۴ م) به اهتمام سید شاه محمد عطاء الرحمن کاکوی، سلسله انتشارات اداره تحقیقات عربی و فارسی، پتنا، مارس ۱۹۵۹ م.
۲. عبدالغنی: احوال و آثار میرزا عبدالقادر بیدل، ترجمه میر محمد آصف انصاری، ۱۳۵۱ هـ ش.
۳. غفاروا، ضمیره: تذکره‌های سرخوش و خوشگو همچون سرچشمه نقد و سخن سنجی، خجند (تاجیکستان)، ۲۰۰۱ م.

۱. غفاروا، ضمیره: تذکره‌های سرخوش و خوشگو همچون سرچشمه نقد و سخن سنجی، ص ۱۳، ۱۵۲، ۲۰۲، ۲۵۳، ۳۳۲ و ۳۴۲.

۲. همان، ص ۸-۱۱۷.